



روایان، «فامیل دور» بعد عهد!

از جمله اتفاقات تلخ در ۹ آذرماه سال ۱۳۹۴ رخ داد. در این روز یکی از هواداران پرسپولیس به دلیل سکنه قلبی جان خود را در ورزشگاه تختی تهران از دست داد. این اتفاق در جریان بازی تیم های نفت تهران و پرسپولیس رخ داد. به گفته یکی از حاضرین، در سکوهای میانی استادیوم به یکباره مرد میانسالی به نام «نجی الله حسینی» نقش بر زمین شد و تماشاگران با شعار «اورانس بیا اینجا، آمبولانس بیا اینجا» خواستار رسیدگی شدند، در همان لحظه گل پرسپولیس به ثمر رسید و بخش عمده استادیوم بی خبر از اتفاق در آن سمت از سکوها، به شادی و پایکوبی پرداختند. تقابل شادی و مرگ، تقابل تلخی بود، یک سمت از ورزشگاه غرق در شادی و هیجان و در سمتی دیگر تعدادی از هواداران، مضطرب و نگران حال این هوادار و شاهد تلاش های وی برای گریز از مرگ و بازگشت به زندگی بودند؛ تلاشی که فایده ای نداشت و این هوادار فوتبال جان خود را در سکوهای ورزشگاه تختی از دست داد.

مهدی حسینی، پسر آن مرحوم در گفت و گو با «ایران»، روز واقعه را این گونه شرح می دهد: «پدرم مشکل قلبی نداشت و سالم بود او با دوستانش به استادیوم رفت و در دقیقه ۳۳ بازی دچار حمله قلبی شد و پس از آن مسئولان ورزشگاه از حضور برانکار روی سکو ممانعت کردند و پدرم روی دست حاضرین به آمبولانس منتقل شد و متأسفانه در همان ۱۰ دقیقه انتقال به آمبولانس جان خود را از دست داد. بالاخره اتفاق بود و قسمت پدرم این گونه شد که روی سکوی ورزشگاه جان خود را از دست بدهد و ما را تنها بگذارد.»

پس از فوت این هوادار، مسئولان فدراسیون و برخی از مدیران سابق باشگاه (مهدی تاج، علی کفاشیان، حبیب کاشانی، محمد رویانیا) به منزل این هوادار مرحوم رفتند و وعده هایی به بازماندگان این حادثه تلخ دادند؛ وعده هایی که عملی نشد. مهدی از مسئولان فوتبال و باشگاه پرسپولیس گله می کند و می گوید: «به منزل ما آمدند و قول هایی دادند. خواستند برای مادرم یک واحد آپارتمان تهیه کنند اما رفتند و سراغی از آنها نشد که نشد. رویانیا فامیل دورمان محسوب می شود و در آن زمان تاحدودی پیگیری ماجرا بود اما اتفاق خاصی نیفتاد. پدرم بازنشسته بود و این سال ها هم در کنار دوستانش در نمایشگاه خودرو مشغول به کار شد. از همه بیشتر وعده های پوچ مسئولان فوتبال دل مان را به درد آورد. پیش از این فکرمی کردم این ها

انسان های خیری هستند اما نظرم نسبت به این افراد کاملاً تغییر کرد.» همسر مرحوم نجی الله حسینی نیز در خصوص این اتفاق تلخ می گوید: «همسرم فوتبال و کشتی را می پرستید. همیشه من مخالف حضورش در استادیوم بودم اما او بدون اطلاع من به استادیوم می رفت. بالاخره قسمت همسرم این گونه شد اما مهم ترین موضوعی که دل ما را به درد آورد، بدقولی مسئولان بود. همسرم همیشه محو تماشای فوتبال بود به حدی که یک بار هنگام خوردن هندوانه زبانش را برید. بعد از آن اتفاق تلخ دیگر فوتبال نمی بینم و با دیدن فوتبال یاد همسر مرحومم می افتم. دودختر و یک پسر یادگار همسرم است

و در این شرایط چرخ زندگی مان به سختی می چرخد. شوهرم بازنشسته بود. با حقوق ماهانه ای که دریافت می کنم باید هزینه کرایه خانه و سایر اقساط را پرداخت کنم که چیزی از آن برای ما نمی ماند.»

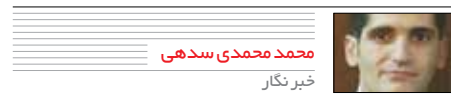


کس: سیدعباس

فوتبال، این قاتل دوست داشتنی

پای صحبت خانواده های هوادارانی که روی سکوها جان باختند

فوتبال با شادی ها و غم های عجین شده؛ شادی هایی که همیشه یادآور پیروزی هاست و غم هایی که یادآور شکست ها، اما برخی از پیروزی ها هم همیشه پایان خوشی ندارد، شادی های این ورزش مهیج ناخود آگاه ما را یاد



محمد محمدی سدهی
خبرنگار

اتفاقاتی چون گل خداداد عزیزی به استرالیا و صعود ایران به جام جهانی می اندازد، اتفاق خوبی که در فوتبال ما ماندگار و در تاریخ این رشته ورزشی در کشور ما جاودان گشت اما آن روی فوتبال و جدا از شکست های حادث تلخ زیادی حتی در پیروزی های وجود دارد. تلخ ترین آن ۳ اردیبهشت ۱۳۸۰ اتفاق افتاد و در این روز تیم های پرسپولیس و شومشک در ورزشگاه متقی ساری به مصاف هم رفتند که به دلیل ازدحام بیش از حد تماشاگران، شماری از آنها برای تماشای بازی به بالای سقف سکوها رفتند و با افزایش تعدادشان دقیقاً در آغاز نیمه دوم سقف ورزشگاه فروریخت و تعداد زیادی از هواداران مجروح و برخی جان خود را از دست دادند. هواداران مرحومی که هیچ گاه تعدادشان اعلام نشد. فوت هواداران فوتبال ایران به همین جا ختم نشد و ۵ فروردین ماه سال ۱۳۸۴ نیز ورزشگاه آزادی خاستگاه حادثه مرگ بود، مصاف با ژاپن، دیداری از سری رقابت های مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان که بلافاصله پس از اتمام آن اخبار تلخ و ناگوارش در بزرگترین رسانه های دنیا منعکس شد. ۷ کشته و ۳۹ زخمی تلفات این دیدار بود، دیداری که با پیروزی تیم ملی به پایان رسید اما حواشی و اتفاقات آن موجب شد تا شادی این پیروزی به غمی ماندگار در دل هواداران تبدیل شود. با گذشت از چنین حوادث دسته جمعی، در سال های اخیر نیز شاهد اتفاقات تلخی روی سکوهای ورزشگاه های کشورمان بودیم که دلیل آن غلیان هیجانات و سکنه قلبی است. حوادث تلخی که کنترل آن ناشدنی و دور از دسترس است. عشق به فوتبال و غلبه هیجانات لحظه ای به فرد موضوعی است که موجب می شود چنین اتفاقی برای یک هوادار هنگام تماشای دیدار تیم محبوب خود رخ دهد؛ فوتبالی که موجب شده تا یک پدر، فرزندان و همسر خود را تنها بگذارد یا پدر و مادری را داغدار فرزندش کند. البته معمولاً شرایط به گونه ای است که شکایتی از این ورزش محبوب ندارند. شاید فوتبال و سکوهایش تنها قاتلی است که هیچ شاکای ای ندارد و کماکان محبوبیت خود را حفظ کرده و خواهد کرد. البته شاید بازماندگان این افراد گلایه ای از فوتبال این ورزش مهیج نداشته باشند اما وقتی خبرنگار «ایران» پای صحبت فرزند، همسریا یکی از بستگان درجه یک آنها نشست، مشخص شد که چه دل پری دارند. چه گلایه هایی از امکانات و مسئولان که اولی مانع وقوع حادثه نمی شود و دومی مرهمی نمی شود بر زخم عمیق آنها.

ورزشی

www.iran-newspaper.com